

ولایت

ده نگی

معرفی نخبگان علمی

زندگی من متأثر از رنج انسان‌هایی است که روزانه شاهدش هستیم. رنج، مسئله‌ای وجودی است که هر انسانی را به تأمل درباره چرایی‌اش باز می‌دارد. رنج کودکی که آزار می‌بیند، کودکان کاری که تن نحیفشان بجای گرمای کلاس درس و مدرسه زیر سرمای فقر و نداری به خود می‌لرزد، پدری که عرق شرم فقر بر جبینش نمایان است و گاه برای نان جان می‌دهد، زنی که از فرصت‌های نابرابر رنج می‌برد و گاه زیر هنجارهای ناهنجار اجتماع راه‌هایی‌اش را رقص در آتش می‌بیند...



حسن سطوت

در صفحه اجتماعی بخوانید ۱۴

تبعات غفلت از سیاست ورزی

به جرأت می‌توان گفت آخرین فعل و انفعال مؤثر سپهر سیاسی ایران همان انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ بود و از آن زمان تا به امروز فعالیت‌های سیاسی در محاق انبوه مشکلات اقتصادی و اجتماعی و بحران‌های روابط خارجی گم شده است. حتی انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در سال ۹۸ نیز نتوانست یخ سیاست را آب کند و عملاً شاهد انتخاباتی با کمترین میزان مشارکت مردمی و کمترین استقبال از سوی گروه‌های سیاسی تحول‌خواه و اصلاح طلب بودیم...



دکتر محمد خزابی

در صفحه سیاسی بخوانید ۳

نیمه دوم شهریورماه ۱۳۹۹ | سال سوم | شماره ۱۶

نشریه سیاسی فرهنگی شمال غرب

صفحه ۸ | ۳۰۰۰ تومان

در بازار بورس چه می‌گذرد؟ ۱۴

نبردنگاریا بازاری ئوورمی ۵

حقیقت مرگ چیست؟ ۶

زندگی و شعر ۶

اوستا رضا، مدارهای مهربانی را لحیم می‌زند ۸

آرایش، نقابی که به بهای سلب آرامش، آسایشی جزئی به ما می‌بخشد! ۸

مهدی بیگ زاده
زیبا سهدی
حیدر عیسی‌زاده (شیراز)
مینا عاقل
عظیم عثمانیان
فاطمه دوتوقزلباش

واکاوی مفهوم امید در جامعه امروز ایران



بررسی وضعیت حقوقی بازگشایی مدارس در شرایط کرونایی

۲

یک بام و دو هوای شورای شهر ارومیه در تفسیر «قومگرایی»

آزاد یوسفی راد

... القصه! در ۲۲ شهریورماه سال جاری و پس از به تعویق افتادن نزدیک به یک ماه، جلسه شورای شهر ارومیه برای انتخاب اعضای هیأت رئیسه در سال چهارم دوره پنجم شورا برگزار شد! بنا رویگردانی علیزاده امام‌زاده یار سابق شهردار به سمت وحید جلال زاده از نمایندگان مردم ارومیه که منتقد شهردار به حساب می‌آید، به مانند روز مشخص بود که علیزاده در سال آخر شورا دستش از صندلی ریاست کوتاه خواهد بود هرچند طبق شنیده‌های مؤثق او به همراه ابراهیمی خواستار توافق با جمع ۴ نفره اعضای کرد شورا به منظور حفظ جایگاهش و متقابلاً سهم کردن اعضای این جمع در هیأت رئیسه و ریاست کمیسیون‌ها بوده اما ظاهراً تلاش‌هایش به جهت همراهی نکردن ۲ عضو کرد به شکست انجامید! نظر و نفوذ شهردار در همه جا حاکم است و مردانش در همه جا حضور دارند! این یک قانون نانوشته است و نهایتاً مطابق پیش‌بینی‌ها، بخشایشی از مدیران سابق شهرداری و یار ثابت شهردار بر صندلی ریاست تکیه زد. اعضای هیأت رئیسه با ۷ رأی از ۱۱ رأی موجود انتخاب شدند و رقبای‌شان نیز هرکدام ۴ رأی از آن خود کردند که این نظم در تعداد آراء، خود به صورت عریان و واضح خواستگاه رأی‌ها را به نمایش می‌گذاشت! لیکن آنچه باعث شگفتی این قلم شد اظهارنظرهای ضدونقیض برخی از اعضا در خصوص این انتخابات بود!

ادامه در صفحه ۲

از بازیگری تئاتر تا دکلماتوری!



پای صحبت هنرمندان جوان ارومیه



در صفحه ۷ بخوانید

دکتر یاسر تندروست

DR.YASER TANDOROST

جراحی آب مروارید بدون بخیه

جراحی افتادگی پلک (بلفاروپلاستی)

جراحی زیبایی و ترمیمی چشم و ابرو

تعیین نمره عینک، تشخیص و درمان تنبلی چشم کودکان

همراه مطب: ۰۹۱۴ ۵۴۸ ۸۷۹۷

سردشت، خیابان شهید کاظمی، کوچه بانک ملی

آگهی و تبلیغات

خود را به ما بسپارید.

با سپردن تبلیغات کسب و کار خود به نشریه منطقه‌ای دهنگی ولایت علاوه بر برندشدن به تداوم فعالیت این نشریه کمک نمایید.

واحد پذیرش آگهی و تبلیغات: ۰۹۳۷۳۹۶۲۸۷۲

دکتر کامبیز تندروست

متخصص قلب و عروق

DR.KAMBIZ TANDOROST

دارای بورد تخصصی از تهران

اکو کاردیوگرافی، تست ورزش، هولتر نوار قلب

هولتر فشار خون، آنژیوگرافی

تلفن: ۰۴۴-۳۲۲۳۲۷۸۴

ارومیه، خیابان خیام شمالی، کوچه خانباخان

ساختمان پزشکان خیام، طبقه همکف



دکتر محمد خزایی - فعال سیاسی

تبعات غفلت از سیاست‌ورزی

فلک کشیده و چنان افسار پاره کرده‌اند که بعید است به این زودی‌ها رام شوند. مسکن نیز برای خودش عالمی دارد. بنابر آمار رسمی، یک کارمند باید نزدیک به ۲۵ سال کار کند تا آیینا بتواند با حقوق کارمندی صاحب خانه شود. و این تازه با فرض ثابت ماندن قیمت مسکن در این ۲۵ سال است!

تداوم این وضعیت منجر به شکستگی اوضاع اقتصادی و اجتماعی نیز خواهد شد. چرا که مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به مثابه حلقه‌های یک زنجیر هستند. چنانچه امروز شاهد هستیم به تبع وضعیت نابسامان اوضاع سیاسی داخل کشور و انفعال و رکود در این عرصه، وضعیت اخبار

به جرات می‌توان گفت آخرین فعل و انفعال مؤثر سپهر سیاسی ایران همان انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ بود و از آن زمان تا به امروز فعالیت‌های سیاسی در محاق انبوه مشکلات اقتصادی و اجتماعی و بحران‌های روابط خارجی گم شده است. حتی انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در سال ۹۸ نیز نتوانست یخ سیاست را آب کند و عملاً شاهد انتخاباتی با کمترین میزان مشارکت مردمی و کمترین استقبال از سوی گروه‌های سیاسی تحول‌خواه و اصلاح طلب بودیم و انتخابات از سوی اصولگرایان نیز با تبلیغات و استقبال شایانی روبرو نشد و نتیجتاً نمایندگان با آراء حداقلی از حوزه‌های انتخابیه خود بر کرسی‌های سبز بهارستان تکیه زدند. ناامیدی سیاست‌ورزان، احزاب و بدنه اجتماعی مرتبط با آن‌ها از ایجاد تحول در عرصه سیاسی و عدم رغبت حاکمیت به ایجاد شور و نشاط سیاسی یکی از دلایل عمده تهی شدن فضای سیاسی کشور از کنش‌های سیاسی است. فضای سیاسی، عرصه گفتمان و تصمیم‌سازی است. در یک گفتمان سالم هم باید گفته شود و هم شنیده شود. اما آنچه در عرصه سیاسی ایران رخ می‌دهد عملاً غیر از این است. معمولاً فعالان سیاسی بعنوان مرغ‌عزا و عروسی هستند. هم از سوی حاکمیت نامالیمت می‌بینند و هم بواسطه مشکلات عدیده جامعه که از سوی مدیران ایجاد شده است، مورد انتقاد و حتی هتاک قرار می‌گیرند. در واقع هزینه‌ی بالای فعالیت سیاسی در کنار خروجی اندک آن، باعث ایجاد عدم توازن در این قبیل فعالیت‌ها شده و در نتیجه بسیاری از احزاب و فعالان سیاسی به مرور زمان قید فعالیت سیاسی را زده و به عرصه‌های دیگر روی آورده و یا منزوی می‌شوند. و چنین شده که فعالیت سیاسی در ایران در یکی از بدترین دوران رکود و نابسامانی خود به سر می‌برد. در این میان نباید از نقش ویرانگر وزارت کشور دولت روحانی غافل بود که علی‌رغم زست‌ها و شعارهای حمایت از احزاب، عملاً آنها را به رکود کشانده، به نحوی که بعد از انتخابات ۹۶ می‌توان گفت در سراسر کشور مناظره‌ها یا نشست سیاسی مؤثر در حد صفر بوده! که این امر در چهار دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. بدون شک این قهر و ناامیدی زنگ خطری برای همه خواهد بود. وقتی سیاست‌ورزان و احزاب کنار بکشند، عرصه برای دغل‌بازان و شیادان سیاسی نما فراهم می‌شود تا از این رهگذر، راهی برای رسیدن به منافع شخصی و باندمی خود بیابند. در چنین شرایطی فساد سیاسی و به تبع آن فساد اقتصادی اوج خواهد گرفت و باید هر روز شاهد اخبار دزدی و اختلاس و ارتشا و فساد سیاستمداران یا اطرافیان و آقا‌زاده‌ها و دامادهای آنان باشیم. از اثرات سوء نابسامانی در عرصه سیاسی، غفلت از شایسته‌سالاری و ظهور و بروز افراد میان‌مایه در سطح مدیریت‌های کلان کشوری است. به نحوی که امروز شاهد حضور مدیرانی در سطح وزرا و معاونین وزیر و استناداران و معاونین استنادار و فرمانداران و نمایندگی در مجلس هستیم که شاید سقف مدیریت این افراد در حد کارشناس سواده وزارت و اداره متبوعشان نیز نباشد. بخش بزرگی از نابسامانی کشور نیز ناشی از همین اختلال عظیم در سطح مدیریت است. در واقع وقتی شایسته‌تگان و مدیران کاربلد کنار نهاده شده و افرادی از طراز بسیار پایین ادارات، بدون ضابطه و بر حسب روابط و میزان سرسپردگی و بله قربان‌گویی به مافوق، برای مدیریت میانی و ارشد منصوب می‌شوند، لاجرم مشمول در قاعده‌ی زوال حکومت خواهیم شد. چرا که یکی از عوامل اصلی زوال حکومتها سپردن زمام امور به ناشایسته‌گان و به حاشیه راندن شایسته‌گان است.



Politics

در واقع تمام ارکان اقتصادی یک زندگی معمول در ایران را موربانه‌های فساد سیاسی و اقتصادی جویده‌اند. امید به آینده در بین جوانان بشدت کاهش یافته و سن ازدواج بالا رفته است. پدیده‌هایی مانند ازدواج سفید و هم‌خانگی در حال رواج است و مدیران مستاصل از مدیریت اوضاع، غالباً یا به انکار واقعیت می‌پردازند و یا به آمار غیر واقعی و بزرگ شده‌ی زیرمجموعه‌های خود دل خوش کرده‌اند. اما واقعیت نه آن چیزی است که در آمار است و نه آن که در ذهن مسئولان می‌گذرد. واقعیت در کف جامعه جاری و ساری است. واقعیت آن است که سفره‌ی مردم کوچک شده اما رئیس‌جمهور آن را مهم نمی‌داند و به تعبیر خودش مقاومت ملت در برابر فشارهای خارجی را مهمتر می‌داند. واقعیت آن است که مردم تا اندازه‌ای تحمل دارند و پس از آن با صحنه‌هایی مانند دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ مواجه خواهیم شد که گوشه‌ای از واقعیت جامعه هستند. و سهل انگاری و خوش باوری در قبال آن اتفاقات، می‌تواند خطای بعدی حاکمیت در قبال جامعه‌ای باشد که الوت‌هایش را نادیده گرفته‌اند.

اجتماعی و اقتصادی نیز به همان میزان وخیم و دردناک است. اوضاع اسفبار حاشیه‌نشینان، بالارفتن آمار طلاق و خودکشی و تجاوز و بداخلاقی‌های اجتماعی، پایین آمدن سن اعتیاد و فحشا، فرو ریختن قیح دزدی، اختلاس و کلاهبرداری، زندانی‌های مهریه، افزایش درگیری‌های خیابانی و... مقایسه میان آمار عناوین فوق‌الذکر در دهه‌های مختلف حکایت از فروپاشی اجتماعی دارد، هر چند که به این فروپاشی اذعان نشود. از سوی دیگر اوضاع بشدت نگران کننده و بدون چشم‌انداز اقتصادی، با خیر گرانی‌های جدید در کالاهای اساسی و مایحتاج مردم شوک روزانه به زندگی خانوار وارد می‌آورد. گرانی سرسام‌آور خودرو که حاکی از بی‌نظارتی و شاید حتی رغبت دولت به وضع کنونی است، باعث شده تا قیمت خودروهایی بی‌کیفیت ایرانی با بنز و پورشه در دنیا برابری کند! تورم کم‌رشدکن در قیمت‌ها چنان خود را جا انداخته که هزار تکذیب مسئولان دولتی قابل کتمان نیست. نرخ دلار و یورو نیز سر به

در پاسخ به یک یادداشت

تعمیم شتاب‌زده تحلیل مضمون مطالبه‌گری در جامعه کردی ارومیه



رسول گله بان - خبرنگار

عملکرد وی باید بصورت جداگانه از این بحث، نقد و مورد بررسی قرار گیرد. اما در صورت هر نقدی بر عملکرد شهردار منطقه ۳، اعضای شورا نیز باید پاسخگوی این نقدها باشند.^۵ از آنجا که مخاطب عصر حاضر به سبب فعالیت در فضای مجازی و ارتباط گسترده کاربران در شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر و در قامت شخصی شبکه‌وند^۶ در کسری از زمان به موارد اشاره شده پی می‌برد، از این رو بعنوان یک خبرنگار و همکار دو هفته‌نامه مردمی دهنگی ولایت لازم دانستم در خصوص سه مورد عنوان شده در جدول ترسیمی^۴ منتشر شده در ذیل یادداشت دوم که رابطه واحد و مستقیم با یادداشت بنده داشت نکات لازم را یادآوری کرده تا مخاطب گرفتار استدلالات و تبیین‌های مغالطی با استناد به چند نمونه ناکافی با جامعه آماری گروهی محدود و تلگرافی در مقابل جامعه مخاطب وسیع و گسترده رسانه و فضای رسانه‌ای و تعمیم شتاب‌زده آن به جامعه کردی ارومیه نشده و اگر کسانی متوجه این انحرافات نشده و در تصمیم‌گیری گرفتار آن شده‌اند، یاریشان نمایم.

که بعنوان شخصی رسانه‌ای در بند نهم یادداشت‌م را رد این درخواست نوشتم: «ساساً چنین چیزی نه تنها در ارومیه، بلکه در هیچ شهر چند قومیتی امکان پذیر نیست و این نشست‌ها می‌تواند با دعوت از اعضای شورا و بصورت انفرادی برگزار شود. ذکر این نکته نیز لازم است که برگزاری نشست خبری شرایط خاص خود را دارد و صرفاً با حضور اصحاب رسانه امکان پذیر است و هر نشست دیگری با حضور فعالین غیر رسانه‌ای، نشست خبری تلقی نخواهد شد.» در همین باب در بحثی که با نگارنده در گروه B صورت گرفت موافقت خویش با پیشنهاد وی مبنی بر تشکیل جلسه پرسش و پاسخ و غیررسانه‌ای با حضور فعالان عرصه‌های مختلف از اعضای شورا را اعلام نمودم و برگزاری چنین جلسه‌ای را اثرگذار دانستم، اما نگارنده در واکنش به بند دهم یادداشت‌م در خصوص عدم مرزبندی قومی برگزاری نشست خبری با اعضای شورای شهر، با رد این درخواست اعلام داشت که هیچگونه مطالبه‌ای از اعضای آذری زبان شورا ندارد.

باشد، صرفاً به شفافیت در مواردی که به نوشتار بنده مرتبط است خواهیم پرداخت. با وجود اینکه بنده در اولین بند یادداشت‌م تأکید کرده بودم که خطاییه نقادانه نگارنده به اعضای کرد شورای شهر ارومیه منتشره در شماره یازدهم نشریه دهنگی ولایت یک نقد بر حق است که اعضای کرد شورای شهر باید در مقابل افکار عمومی جامعه کردی در ارومیه جوابگوی آن باشند، اما در یادداشت اخیر «تأکید بر برگزاری دوره‌ی به جای نشست مطبوعاتی» و «تلاش برای انحراف موضوع اصلی به موضوع فرعی در قالب سوال از اعضای علی‌البدل» بعنوان مضامین به حاشیه رانی مطالبه‌گری و همچنین «ممنوعیت سوال و مطالبه از شهردار منطقه ۳» بعنوان یکی از مضامین فرهنگ عشیره‌ای ذکر شده‌اند که ارتباط مستقیم با یادداشت بنده دارند.^۲

اما اصل موضوع از چه قرار بود؟

در بند دوم یادداشت‌م با تأکید بر اینکه نباید از نقد عملکرد اعضای علی‌البدل شورا چشم‌پوشی کرد و باید از آنها پرسید که چه میزان از برنامه‌هایی که در ستادهایشان به آنها اشاره کرده‌اند تا در صورت ورود به شورای شهر عملی کنند را در اختیار اعضای فعلی گذاشته‌اند؟ آیا این سه عضو علی‌البدل کرد جلساتی با اعضای فعلی در راستای هم‌اندیشی و اجرایی کردن برنامه‌های خود داشته‌اند؟ اگر جواب مثبت باشد، نتیجه و خروجی این جلسات چه بوده است؟ نگارنده در توضیحی بر این ۱۰ نکته که در گروه تلگرافی دیگری (در اینجا به اختصار گروه B خوانده می‌شود) ارائه داد، بیان داشت با وجودیکه اعضای علی‌البدل مشاوران اعضای فعلی نیستند و دارای هویت مستقل و سوابق مؤثر سیاسی و اجتماعی در بین کردزبانان هستند، برنامه‌های خود را برای اجرا در اختیار اعضای فعلی قرار داده‌اند، اما پاسخ در خوری دریافت نکرده‌اند. اما نکته مهم اینکه هم نگارنده در گروه B از ذکر نام اعضای فعلی که توجهی به برنامه‌های اعضای علی‌البدل نکرده‌اند امتناع ورزید و هم یکی از اعضای علی‌البدل حاضر در گروه تلگرافی A از پاسخ به جزئیات این دیدارها خودداری نمود که این رفتار خود نقض آشکار جریان مطالبه‌گری است. خواه این مطالبه‌گری از عضو شورا یا مجلس باشد، خواه از اعضای علی‌البدل و خواه از فعالین مدنی.

در بیشتر پیام‌هایی که پیرامون نقد رفتار اعضای کرد شورای شهر در فضای مجازی منتشر شد، درخواست نشست خبری مشترک اعضای کرد شورای شهر با فعالین مدنی دیده می‌شد

۱. فارسی: ۱۰ نکته اساسی در خصوص جوابگویی اعضای کرد شورای شهر ارومیه در پاسخ به افکار عمومی
۲. <https://urmiye24.com/ku/?p=1917>
۳. دو هفته‌نامه دهنگی ولایت / سال سوم / شماره ۱۵ / نیمه اول شهریور ماه / صفحه ۳
۴. اشاره به یکی از دلایل نقد اعضای کرد شورای شهر در یادداشت اول
۵. مدیران مناطق شهرداری از مدیران جزء مدیریت شهری هستند و نمی‌توانند پاسخگوی نقدهای وارد بر اعضای شورا باشند، اما اعضای شورا به دلیل پیشنهاد مدیران مناطق به شهردار و همچنین نظارت بر رفتار مدیران و معاونین شهرداری باید پاسخگوی نقدهای وارد بر مدیران مناطق باشند.
۶. شبکه‌وند (NETIZEN)(یا: نتیزن؛ سایبرسیتی زن) شخصی که به طور فعال در اجتماعات و انجمن‌های آنلاین مشارکت دارد. شبکه‌وندان از اینترنت برای درگیر شدن در فعالیت‌های بین شبکه‌ای در ارتباط با گروه‌های عمومی اجتماعی (مانند دریافت و ارسال نظرات، تأمین اطلاعات، ترفیع و پرورش اینترنت به عنوان یک منبع ذهنی و اجتماعی) استفاده می‌کنند.

انتشار نوشتاری در نشریه دهنگی ولایت با عنوان «خطاب به اعضای کرد شورای شهر ارومیه» در نقد عملکرد اعضای کرد شورای اسلامی شهر ارومیه و طرح این پرسش که چرا از تقریباً ۵۰ پست معاونت و مدیریت شهرداری ارومیه، فقط یک پست در اختیار کرده‌ها قرار گرفته است، به قلم هاشم محمودی بحث و گفتگو‌هایی در فضای مجازی را در پی داشت که منجر به جنجال آفرینی‌هایی شد و گاهی از موضوع منحرف شده و بهانه‌ای برای تلافی جویی و برجسته کردن اختلافات گذشته شخصی شد.

بنده بعنوان شخصی فعال در عرصه رسانه این شهر که با جامعه مخاطبینی بسیار گسترده‌تر از فعالین مدنی ارتباطی دوسویه دارم، با مشاهده این وضعیت و با توجه به واکنش‌های صورت گرفته و تماس‌ها و پیام‌های خصوصی بسیاری که در این خصوص داشتم و همچنین انتظارات مخاطبین از بنده بعنوان شخصی رسانه‌ای و بیطرف در این مسئله، در یادداشتی به زبان کردی و با عنوان «۱۰ خالین بنگه‌هین د ده‌برارن» بر سرغداییا نه‌ندامین کورد ژین نه‌تجومه‌نا شه‌ورا با‌زائرژ ژورمییژ رایا گشتی را»^۱ که در صفحه اینستاگرام شخصی خود و پایگاه خبری ارومیه^{۲،۴} منتشر نمودم و در آن با تأکید بر اینکه قبل از هر بحث و جدلی در فضای مجازی باید ۱۰ نکته اساسی پیرامون نقد فعالیت اعضای فعلی شورای شهر ارومیه را در نظر داشت و با آگاهی کامل از این ۱۰ نکته عملکرد آنها را مورد نقد و بررسی قرار داد، در ۱۰ بند به تشریح این نکات پرداختم. اما در یادداشت دوم با عنوان «دوره‌ای ترویج مطالبه‌گری یا پشتیبانی از الیگارشی» منتشر شده در شماره ۱۵ این نشریه، نگارنده با مغالطه نوشتار اینجانب را از مضامین رسوبات عشیره‌ای و به حاشیه‌رانی مطالبه‌گری برشمرده است که بنا به ادعای وی، بنده شخصیتی عشیره‌گرا و نافی جریان مطالبه‌گری خواهم بود. لذا لازم دانستم در مواردی که مرتبط به یادداشت بنده است توضیحاتی لازم ارائه دهم.

فارغ از اینکه جامعه آماری مجازی مورد اشاره در یادداشت اخیر که یک گروه تلگرافی (در این یادداشت به اختصار گروه A خوانده می‌شود) است و فعالین مدنی نیز خود را درگیر بحث‌های بدون نتیجه و عموماً حاشیه‌ساز در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نمی‌کنند، به هیچ وجه نمی‌تواند برآیند درستی از جامعه کردی و خصوصاً فعالان مدنی کرد در ارومیه

نہر دنگاریا بازاری ئورمی



نقیسہ: زیبا سہیدی
خوہندہ کارا کارشہناسیا ندر دنگاریا

تایبہ تمہندی پین گرانہہ پایہ.
پرانیا ئافا رووی ل دہوہرئ بڑوون
سہرکانیہ دگرن کو نالووچای،
شہرچای، باراندووزچای گرینگترین
چہم وی بازاری نہ.
ل گور تقلیمی و توبوگرافی بازار
خوہدی گیایی خوہرووی جو ب
جوہ.
د مہتہقا چپایی دہ و د روژافاین باژیر
دارستانین زاگرؤسن جہ دگرہ.
ل بازاری ئورمیں جہئ ئولی پسر
بہر ب چافن کو ل وان مزگہقت،

بازاری ئورمیں نافہندا نازہربایجانا
روژافایہ کو ل ناف چؤلگہھا ئورمیں
ب دہرئ اہیا ۷۰ و پاناہیا ۳۰ کیلومہتری
ل رخی گؤلا ئورمیں جہ گرتیہ.
ئہف پاریز گہھا ب نافہندا ئورمیں

ئافرئزا سوولہدوو کھلی، کانیا ہفتافا،
باخچ سیتان و تری و مہیفہیین جو
ب جوہ ہنہ.
گرینگترین تایبہ تمہندی بائوریہ وی
بازاری مرؤف دکارہ چاندنییی کو
رؤلگ گرینگ ہمیہ ل باژیر دہ بیبہ
سہر زمان .
بارینا زیدہ، ئہردئ بڑوون و دہشت
ل گھل ئافا سہر روویئ ئہردئ
دہرفتہک لہاتییہ بؤ پٹشکہتتا
چالاکیین چاندنیہ ل ئورمیں.
ہەر ووسا کارئ دہستان و ہک چیکرنا



فہرش، جاجم، کارین سہر دارکان،
داتاشکاری، داگوکلکاری، پیکہرسازی،
جامکاری ریز بکہ.

ئورمییہ پستی تہران دیہمیں
بازاری قہرہبالخ ژ هیلا ہات و چوونییہ.
د دہمسالین سار دہ دبہ سہدہما
قرئزبوونا ہوائین. ژ بلی وی ہندی
توڑا وولاتن ئراقی و بہلافیوونا وی
سہر روویئ گؤلا ئورمیں د دہما ہاتنا
باہک گور دہ دبہ سہدہما قرئزبوونا
ہوائین ل وی باژیری.
یہک د ن ئاستہنگیین ئورمییہ
ہاشیہ رونشتییہ و ہہر روژ ئہو یہک
زیدہ دبہ و دبہ سہدہما خرابوون
گؤہرتتا بکارینا ئہردین چاندنیہ
و رھز و باخچہیان ل ئورمییہ. ئہو
دبن سہدما تیچوونا باخ و رھزان ل
ئورمیں

ھؤسینیہ، ئوچاخ و کلیسہ مرؤف
دکارہ بیبہ سہر زمان.
مزگہفتا جامیا ئورمییہ، ئوچاخ
مہمہد و ئیبراہیم و مہزائیئ ئہرب
باخی و خہریب ہسہن و ہہر ووسا
کلیسیا ہہزرہتا مہریم، مارسہرگیس،
نہنی مہریم، کلیسیا گوندئ جہمال
ئاباد، مارقؤما، تہرمانی مہفانہ
گرینگترین وان.

ژ بلی جہئ ئولی ہن جہئ دیرؤکی
وہک سن گؤنہد ئورمییہ، بازارا
کہفتارا ئورمییہ، مالا ئہناریا، جہمہدا
نہہ پیلن، مہکہبا ہدایہت، بنارا ستادا
ئہرتیشی، شہہرداری، کھلا دمدمن،
کھلا بردووکی، کھلا ئسمایل ئاخا،
شکہفتا تہمتہمانئ تین دیار کرن.
جازیبہیین خوہزایی:

گؤلا ئورمییہ، گؤلا مارمیشؤ، گؤلا مام
شیخ، پیستا خوؤشاگؤ، ہند، قاسملو،

مہزترین بازاری باکورئ روژافایا
ئیرانیہ.
ل گور سہرئماریا سالا ۱۳۹۵ ہتافی
ئہو باژیر ۷۳۶۲۲۴ کسہن.
ہہرئما وی بازاری ۱۰۵۴۸ ئختارہ.
جیرانیئ باژیر ل باکور سہلماس،
باشوور نہخہدہ، روژھلات مہاباد و
گؤلا ئورمیں نہ و ہہروھا ل رخی
روژافا ب وولاتن تورکیہ و ئراقی فہ
ہہف سینؤرہ.

بازاری ئورمیں ۵ ہہرئمہ (مہرکہزی،
ئہنزل، سیلوانا، سوئمباردؤست،
نالوو) ۲۰ دہیستان و ۷۳۶ گوندہ.
۲۳ گوند والا مانہ.
بلنداہیی وی بازاری بہشکہ ل
چینبوونا ہیمالیاییہ.
بازاری ئورمییہ ل دہوہرئ گریئا
چییبییئ ئہلبورژئ جہ گرتیہ.
ژ ہیلا ندر دنگاریئ خوہدی

چیرؤکین کوردی

ژ بوہیبنوونا زمانئ کوردی (سؤرائئ)

دلئ ہممو کەسیکی پسر ژان دکرد.
تازہ تیگہشتم کە بہ رحمہت بئت
مام ہیوای جیرانمان بؤ ہممو
کات دہیوت خودایہ کەر بریارہ
منالی بن وہفام بدہیتی، نامہوی...
ئاخر مام ہیوا لہ گھل دادہ بہفرینی
ھاوسہری دوای چل و ہہشت سال
ژیان منالیان نہدبوو، مام ہیوا دہیوت
من کیشم ہہیہ، ہہتا کەس ناچاری
نہکات ژنیکی تر بینیئ، ئہمہش ئہم
کوتایانہ دادہ بہفرین بہ نہنکمی ووتبوو.
لہ بیرمہ مام ہیوا روژیک رویشت بؤ بازار
دو دانہ کوچانی کری ووتئ ئہمہش
کوچانی پیری من و بہفرین خاتوون،
من ئہو کات گہنجیکی سہر شیئ
بووم وام دہزانی دلئ خوئی دداتہوہ...
ئہوان تا کوٹا ساتی ژیان بہ
خوؤسہویستی ژیان، خواردیان، رشتیان و



نقیسہ: مہریم مۆسہوی

ئەز و کارا ھیشین



نقیسکار: مەجید رەھوەرد

چیکن چلک. ہنک ژ وی ب
خوہ ناف ل کر بوون؛ برؤ. دہدہ،
ہسپن مہلہ، کارا ہیشین و ہود،
تلیا خوہ درئزی ستیرکان دکر و
تہخمین دکر بن کا چقاسی ژ وی و
ژ ہفدو دوورن و دقکاری کو کیژان
ستیرک ل فیژا گوندی وان و کیژان
ل سہر باژیرہ، ہہتا بگرہیین ل سہر
سہرئ باخخ خوہ و تہولیا پیز ژ وی
نیشان کر بوون. وی شہفئ بیہنا وی
گہلہکی تہنگ بوو و دہمکور تہکی
ل ستیرکان میژہ کر و ژ خوہ رہ
گؤت «ئہزئ سبئ زوو بریارا خوہ ژ
دایئ رہ بیژم» و زوو چاف لی گران
بوون و راکہت.
سہرئ سبئ ب دہنگی لوراندا
دایکا خوہ ژ خەوئ رابوو، دایئ
مہشک دکیا، خویشکا ویبا بچووک
ژ وی ل پشتی بوو، دایئ ژ دل و جان
دلوراندا:

نہنہمی وای، ئاخ نہنہمی ...
کەچا منن، کەچا منہ
تہ لور دکم جارەک دنہ
ب رہفشا تہ کەسەک تنہ
ل پشتا من لورہ لورہ
ل بہژنی وی پاجیک سؤرہ
بارہبارئ کارا تۆرہ
ئہز قوربانا کەچکی دھلال
مہزن بیی دمالی مال
لئ وی چاخی ئہز بوومہ کال
ئاخ نہنہمی ل بہر چہمی
وای ل فی دونبای بن رھمی
چاوا دوور کم ژ تہ خەمی
کەچن برای تہ شگانہ
ئہو شگانئ بہر بہرخانہ
سا تہ را وەکی چیانہ
لاوؤ تۆ بہرخان تیر بکہ
ہەرہ تۆ کارین خیز بکہ
سا خوؤشکا خوہ ہؤنیر بکہ
ئاخ نہنہمی ئاخ نہنہمی...

ہیسر ل چافین وی کەتن و دلئ
وی شہوتی. رجاف کەتہ نافا بہدنا
وی، بریارا خوہ و سؤلین پھرتی ژ
بیر کرن، نفین ل سہر خوہ ئافیت
و بیی کو دایکا ب ہیسرین چافئ
وی بہسہ، چو بہرخ ژ تہولہیی
دہرخستن و برن چؤلئ. ہنک
پہلین دارہکہ کووزئ ہلکرن و دانین
سہر ہفدو و کرن بئ سؤلین خوہ
و بہدکین وان شدانن. چقلکہ
دارہکہ بیئ ژیکر و بانہ کارا ہیشین
کر، ب دوو کارئ ہیشین بہرخ کەتن
ریژئ و ہاتن ل نافا مئگرئ بہلاف
بوون. ہنک پھل دانہ کارئ و پئ
کەتہ ہنہکان.
گہلک شا بوو کو تشتہک ژ دیا
خوہ رہ نہگؤتبوو، لہوما فن جارئ
ژ خوہ رہ بریار دا و گؤت «ئہزئ
ئیدی نہہیلم ستی و پیژ د بییین
من رہ ہەرن، ئہزئ ژ نہا پئ فہ
ببالدارتر بمہشم دا کو سؤلین پھرتی
نہن سہبہبا نہرہہتکرنا من»، فکرا
خویشکا ویبا بچووک و مہزنبوونا
وی، فکرا چووینا ویبا دبستانئ،
فکرا تشتین کو دایئ گؤتبوون، ئہو
کیتخوہشتر دکر.
ئہو روژ گہلہکی خوہش دہرباس
بوو، وی بہرخین خوہ چیرانن و
دہما کو شہف گہریا مالی دبت
کو باقی وی جۆتہک سؤلین نوو
ژئ رہ ستاندنہ، سؤلین نوو پئ
کرن و وی شہف ب فان رہ راکہت
... ستیرکین ئہسمین ژئ باشتر
دہرہقین



اردلان جهانگیری
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

دنیای اجتماعی که متشکل از افراد بشری است، سرشار از عواطفی چون ترس، تنفر، اشتیاق، شادی، غم و... است که بی‌تردید نقش مهمی در زندگی اجتماعی دارد. در این میان عواطف آینده‌محوری چون امید به طور عام و امید اجتماعی به طور خاص از جمله موضوعات مهم و شایان توجه محققان حوزه علوم اجتماعی است، زیرا سلامت و پویایی جامعه تا حد زیادی به امیدواری میان طیف وسیعی از اعضای آن بستگی دارد. زومتکا امید و امیدواری به آینده را از خلقیات اجتماعی افراد می‌داند که در ایجاد فرهنگ اعتماد در جامعه دخیل است.

مفهوم امید را به طور عمومی متعلق به حوزه روانشناسی دانسته‌اند که معنای آن بهتریابی آینده یا انتظار مثبت برای رسیدن به اهداف مورد نظر است.

از دیدگاه اجتماعی تصور امکان پیشرفت، ترقی و بهبودخواهی در میان اعضای هر جامعه‌ای تا حد زیادی بیانگر نگرش آنان در مورد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن جامعه است که می‌توان آن را ذیل مفهوم امید و بسط آن دانست، و این یعنی، امید محرک اصلی یک جامعه است.

لیونل تاپگر انسان‌شناس، در کتاب «خوش‌بینی: زیست‌شناسی امید» از امید تعریفی ارائه می‌کند که امروزه اغلب آن را پذیرفته‌اند. تاپگر می‌نویسد: امید، حالت و ایستار یا نگرشی همراه با انتظار یا آرزو درباره آینده مادی و اجتماعی است؛ آینده‌ای که فرد آرزومند آن را همچون امری از نظر اجتماعی خواستنی و مطلوب می‌داند و آن را برای بهبود یافتن یا برای لذت بردن سودمند می‌یابد. بنابراین، امید مقوله‌ای درباره آینده است، آینده‌ای تصور شده، آینده‌ای مطلوب همراه با ارزش‌ها و عواطف خواستنی است. این آینده ممکن و محتمل است هر چند قطعیت ندارد.

لیونل تاپگر برای توضیح امید در سطح جامعه، دو مفهوم را از هم متمایز می‌سازد: «امید بزرگ» و «امید کوچک».

امید کوچک، همان حالت و احساس آرزومندی و انتظار فرد برای آینده مادی و اجتماعی خودش هست، و امید بزرگ همان امید اجتماعی است، یعنی روایتی که هر جامعه‌ای از آینده خودش خلق می‌کند و اعضای جامعه را به این آینده خوش و دلپذیر نوید می‌دهد. تاپگر هم می‌نویسد امیدهای اجتماعی، امیدهای بزرگ هستند که جامعه برای آینده افراد

واکاوی مفهوم امید در جامعه امروز ایران

نمی‌شدم... ای امان از شعارهای بی‌محتوا»
«سیاست خارجی دست دولت است و رهبری صرفاً سیاست‌های کلی را مطرح می‌کنند»
«ارزش پول نباید کاهش یابد»
«تحریم و مشکلات بانکی را رفع خواهیم کرد»
«قول می‌دهم که احترام را به پاسپورت ایرانی برگردانم»
«برای حل مشکلات اقتصادی برنامه یک‌ماهه، سه‌ماهه، یک‌ساله و چهارساله دارم»
«دولت تدبیر چنان برنامه‌ریزی می‌کند که مردم دائماً نگویند هر سال دریغ از پارسل»



سکان اداره کشور را در دست گرفت، اما اکنون بعد از گذشت ۷ سال از دوره ریاست جمهوری، هیچ‌یک از وعده‌های انتخاباتی ایشان برآورده نشده، بطوریکه بی‌تدبیری و ناامیدی بیداد می‌کند. تورم، گرانی، بیکاری، تجرد، کاهش نرخ زادوولد، بی‌اعتباری جهانی پول و گذرنامه و ... چنان وضعیت اضطراری‌ای در کشور و برای مردم بوجود آورده، که هر روز بر نارضایتی و شکایت مردم افزوده می‌شود.

پیامدهای ناامیدی

بی‌تفاوتی اجتماعی: بی‌تفاوتی اجتماعی رفتاری است فردگرایانه با ویژگی‌های همچون بی‌تعهدی مدنی، نبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت‌نداشتن مدنی، بی‌اعتنایی به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. دورکیم رفتارهایی چون نوع‌دوستی، مشارکت اجتماعی و تفاوت‌مندی به جامعه را با درجه پیوستگی افراد به جامعه خود و میزان توافق جمعی مرتبط می‌داند، همچنین مانند خودکشی، قانون‌شکنی، بی‌تفاوتی و... را متأثر از میزان جدایی

در گفتمان سیاسی و اجتماعی ایران اهمیت آشکار پیدا کرده است. اتفاق مهمی برای ایده امید در سال‌های اخیر رخداد و این واژه توانست به نحو آشکار جایی در گفتمان سیاسی- اجتماعی ایران پیدا کند؛ اگرچه همواره سیاست در ایران از ایده امید استفاده و حتی سوء استفاده کرده است.

حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری توانست با طرح «شعار تدبیر و امید» پیروز شود. این رخداد سیاسی زمینه‌ای فراهم ساخت تا مفهوم امید در حوزه عمومی ایران بیش از گذشته در کانون توجه فعالان سیاسی و اجتماعی قرار گیرد. به کارگیری دو مفهوم تدبیر و امید در بستر سیاسی آن زمان، نوعی شالوده‌شکنی و نقد موقعیت جامعه ایران بود.

او همچنین با وعده‌های: «چنان رونق اقتصادی ایجاد می‌کنم که مردم به یارانه نیاز نداشته باشند»

«والله العظيم اگر مشکلات راه‌حلی نداشت، کاندیدا

حقیقت مرگ چیست؟

ای دوست شکر بهتر یا آنک شکر سازد؟ خوبی قمر بهتر یا آنک قمر سازد؟

ای باغ توی خوشتر یا گلشن گل در تو؟ یا آنک برآرد گل صد نرگس تر سازد؟

(مولانا)



وسيله و مرکب می‌شود. قَلْنَا اٰهِيَطُوْا مِنْهَا جَمِيْعًا فَاِمَّا يَّاتِيَنَّكُمْ مِّنِّيْ هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۲۸﴾ ترجمه: فرمودیم جملگی از آن فرود آید پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد آنان که هدایت‌م را پیروی کنند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد. در واقع این ماشین را به او داده‌اند تا بوسیله آن هدایت و معرفت خالق را شکار کند، اگر شکار خود را انجام داده باشد مرگ ماشین به خیر اوست و دیگر از سنگینی بار او رها می‌شود. ولی اگر قبل از اینکه این معرفت را شکار کند ماشینیش تباه شود دچار مصیبت و بلا خواهد شد. این شرح و تعریفی کوتاه از مرگ بود که خدمتتان عرض شد. به ادن خداوند در آینده این موضوع را بیشتر بسط خواهیم داد به این دلیل که مفهوم حقیقی مرگ می‌تواند دیدگاه ما را درباره مفاهیم کلیدی و مهم دیگری همچون قیامت و بهشت و جهنم و مفهوم حوری و چگونگی دیدار با عزیزانی که ما الان به نوعی در فراق و جدایی با آنها هستیم و... تغییر بدهد.



حیدر عیسی‌زاده(شیار)

استاد دانشگاه صلاح‌الدین/ اربیل

یکی از مفاهیمی که در همان سال‌های اول کودکی، زندگی بشر را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد مسئله مرگ است. در همان ایام کودکی این سوال در ذهنمان بوجود می‌آید که مرگ چیست؟ چه لزومی دارد به ناگهان یکی از اعضای عزیز خانواده یا دوستی عزیز ناگهان از ما گم می‌شود؟

بسر انیم که امروز تا حدی که قابل درک باشد، این مفهوم را برایتان روشن و ساده کنیم. اینکه حقیقت مرگ چیست؟ چون قرار هست همه ما آنرا تجربه کنیم. کُلْ نَفْسٍ دَانِقَةً الْمَوْتِ - آل عمران - ۱۸۵

تا این لحظه هر چه در مورد مرگ شنیده‌ای و هر دیدگاهی که داری فقط برای چند دقیقه از یاد ببر و این کلام را با گوش جانت بشنو تا حقیقت مرگ را خوب بشناسی.

با آنکه دیدگاه‌های ظاهراً متفاوتی با توجه به فرهنگ و جغرافیا و مذاهب در طول تاریخ درباره مرگ بیان شده است ولی حقیقت مرگ یک چیز بیش نیست. و حادثه مرگ برای همه افراد به یک شکل صورت می‌گیرد. به همان صورتی که همه ما مشابه یکدیگر متولد شده‌ایم.

حقیقت مرگ را تنها کسی می‌تواند درک کند که حقیقت وجود خود را درک کرده است.

ببیند ما از دو قسمت خلق شده‌ایم: جسم و روح. ترکیب و حالت و شیوه این دو کاملاً با هم متفاوت است. ولی آنچه را که باید دانست و درک کرد این است: که حقیقت وجود ما روح ماست نه جسم ما. و روح ما از عالم بالا است و از عالم لامکان و لازمان است و اصلی‌ترین خاصیت روح این است که قرار است برای همیشه بماند. یعنی بطور جاویدان زندگی خواهد کرد.

روح ما در سفری عظیم است بنام: (الیه راجعون) یعنی (برگشت بسوی او). و در حال طی کردن منزلی است. این دنیای خاکی ما نیز یکی از این راه‌ها و منازل عبور اوست. روح ما قبل از این دنیا و قبل از جسم ما نیز وجود داشته است و هم‌اکنون نیز وجود دارد و بعد از فانی جسم نیز وجود خواهد داشت.

روح به منظور سفر به اینجا آمده است یعنی یک مسافر است. و جسم ما در حکم ماشین و چگونگی دیدار با عزیزانی که ما الان به نوعی این مقطع و مرحله از سفر خلق شده است و نقش یک اتومبیل

معرفی شاعران



مینا عاقل

گفتند برای ما از خودت بنویس، جایی ک چشم روی این زندگی باز کردی، کجا را زندگی کردی و برای جامعه‌ی کردی چه خدمتی کردی... من هم همانند شما شهروندی از این ديارم، از این شهر اقوام: اروميه، که در این شهر هرکس برای خودش شاعری است که خفته نامش را صدا می‌زند به قول مولانا: شب رفت و حدیث ما به پایان نرسید، شب را چه گنه، حدیث ما بود دراز... جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم به دلیل کار مردم‌اش که کشاورزی و دامداری است و جامعه‌ای سر بسته است، و در چنین جامعه‌ای برای یک دختر سربلند کردن جسارت می‌خواهد و راهی طولانی با شیبی ناهموار، حال آنکه بخواهد شاعر هم باشد. چون همیشه گفتم و این وظیفه یک شاعر است که پایبند این دو اصل باشد؛ یکم: همیشه یک نقاد باشد و دوم اینکه همیشه طرفدار طبقه زیرین جامعه باشد، شاعر همیشه خود را مسئول می‌داند در جامعه‌ای که پر باشد از مشکلات، مشکلاتی که جوانان با آن مواجه‌اند، مشکلاتی که یک دختر تا بتواند در آن سر بلند کند و نظرات و احساسش را چه در زندگی چه برای هدف‌هایی که در سر دارند به انجام برساند... من میناعاقل از منطقه مرگور ارومیه در میان خانواده‌ای که همیشه عشق به هنر و شعر داشتند به دنیا آمدم، علاقه زیاد به شعر و شاعری باعث

زندگی و شعر

درد هنرمندان ما و مشکلاتی که گریبانگیر این قشر از جامعه هست. بیش از ۶۰ تا شعر نیز در دست دارم به امید اینکه در آینده‌ای نزدیک به صورت کتاب چاپ شود و موضوعات شعرهایم از مشکلات روزمره جوانان، عشق و وطن هست. در آخر قطعه شعری تقدیم به مادرم و همه دوستانی که شب و روز برای جامعه‌ای کُردی فعالیت دارند تقدیم می‌کنم. سپاس و رُز.

EVÎNEK IM KU DI KILAMA
DENG BÊJÊN KURMANCÎ DE
.ME
ÎŞEV DI DILÊ TE DE BI ÊŞ IM
DI HER KILAME DE VEJÎNA
ÇÎROKÊKÊ ME
HÊVIYÊN MIN GUHÊ
ASÎMANAN KER KIRIN
BÛN BALIVÊ BER SERÊ
LEHENGÊN EFSANEYÎ DI WÊ
AXÊ DE
DENGÊ SAZ Û SEMAYÊ LI
BER ŞITAVKA MOMÊ HÊMIN
XISTIYE WÎ CAN Î
DI VÊ ŞEVÊ DE
QÎR Û ÇIROSKÊN LI AGIREKÎ
KEVN TÊ Û HER DER KIRYE
.KAOS JI MIN RE
DE WERE
DI NAVA RIHÊN DILÊ XWE
DE RIND BINIXUMÎNE .BILA
KEÇA KURMANC KILAMA
DÎLANA EVÎNÊN BÊDENG
L.RE. REVENDÎ BE ÎŞEV
BI HENASEYA XWE YA ZÎZ
DI BILURÊ LÊXE .KU HER
TAYEK JI BÎSKA MIN LI HER
.DERA WELÊT ŞÎN BIBE

می‌شد هر شعری را بارها بخوانم که از همان اوایل کودکی با گوش دادن و خواندن شعر کردی علاقه داشتم، در چنین راهی که شعرگفتن و خواندن و توجه به زبان مادری را در خود دیدم و خواستم همانند یک شاعر از درد این جامعه بسرایم و زبان شعرم از زبان این مردم باشد و زمانی به طرف شعر رفتم که شهری از کردستان سوریه (کوبانی ۲۰۱۴) زیر تجاوز حملات بی‌امان گروهک تروریستی داعش بود، بی وقفه صدا زدم کوبانی دل من پیش کودکان بی‌پناهی می‌تپد... دوسال بیشتر نداشتم که پدرم را از دست دادم و مادرم با زحمتی از جنس این خاک روستایی من و خواهر و برادرانم را بزرگ کرد، همیشه هر کاری کردم اول از خدایم بعد از مادرم تشکر کردم. شاید به جای خاصی نرسیدم اما برای من راه عبور از ۵۰ کیلومتری به دانشگاه تنهایی رفتن در این جامعه بسته افتخار هست تا توانستم کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی را کسب کنم و این را هم بگویم دختران زیادی به این حد از تحصیلات رسیدن اما بیکاراند. یک مقاله هم با عنوان (JIN Û CIVAK) نوشتم که از درد دختران جامعه نوشتم و برای مجله ژیلوان که به کرمانجی چاپ شد فرستادم، اهمیت نقش زنان در این جامعه به هر شیوه‌ای باشد باید به گوش همه جوامع برسد شاید مهمی باشد برای دختران سرزمینم. مقاله‌ای هم نوشتم با عنوان (ده‌نگینژی) که در مجله به‌یوان چاپ شد و آن هم اشاره‌ای دارد به

از بازیگری تئاتر تا دکلماتوری؛ پای صحبت هنرمندان جوان ارومیه



حکیم بصیرت - خبرنگار

یک جامعه پویا، انسان‌های پویا و سرزنده‌ای را نیز در بطن خود پرورش می‌دهد و جهت اعتلای فرهنگ و هنر خود با انگیزه‌های کافی و پشتکاری مطمئن وارد میدان می‌شوند و با وجود تمام ناملایماتی که در جوامع امروز اعم از فشارهای

پیشرفت را به خوبی طی می‌کنند و در آینده نیز از کارها و فعالیت‌های خوب آنها بیشتر خواهیم شنید. سمانه میرزایی در حوزه تئاتر، و آرمان صفرزاده در حوزه صدا و گویندگی فعالیت دارد و مردم ارومیه در چندسال گذشته با صدا و فعالیت‌های هنری آنها با خوبی آشنا هستند. بر همین اساس مصاحبه‌ای را جهت آشنایی بیشتر با زندگی‌نامه و افکار آنها ترتیب دادیم.

مشکلات و رویدادهای روزمره، معرفی چنین افراد مستعدی است تا سرمشق و الگویی برای سایرین باشند. دونفر از این افراد سمانه میرزایی و آرمان صفرزاده هستند که با پشتکار تحسین‌برانگیز پا به عرصه هنر گذاشته‌اند تا بتوانند سهم خود را به عنوان افرادی خلاق و بااستعداد در این جامعه ایفا کنند. آنها با سن و سال کمی که دارند با فعالیت‌های خود، راه

سیاسی و اقتصادی به فعالیت می‌پردازند. آنها به حدی برای فعالیت خود، اهداف و دلایل متقن دارند که به راحتی می‌توان به ارزشمند بودن آنها و فعالیت‌شان پی برد به طوری که هنر امروز مدیون تلاشگرانی است که در این عرصه شبانه‌روز، بدون هیچ چشمداشتی و با کمترین ادعا فعالیت می‌کنند و در این بین وظیفه من به عنوان یک رسانه‌نگار علاوه بر انعکاس

۱. خودتان را معرفی کنید.

سمانه میرزایی، متولد ۲۸/۶/۱۳۷۴، زاده‌ی ارومیه و حدود ۵ سال است که در عرصه هنر و تئاتر فعالیت دارم. تا قبل از ورود به این عرصه برای رسیدن به اهداف دیگری تلاش میکردم، اما با فرصتی که برایم در شروع این کار پیش آمد فهمیدم روحیات و خواسته‌هایم با هنر و تئاتر سازگاری بیشتری دارد.

۲. از چه سالی شروع به فعالیت‌های هنری کردید و دلیل انتخاب این مسیر چه بوده است؟ بخشی از فعالیت‌های خود را تشریح کنید.

از سال ۹۴، چون از سنین پایین به هنر علاقه داشتم، مثلاً به ادبیات علاقه خاصی داشتم اما به دلیل کلیشه‌های دوران ما و اجبار خانواده مجبور به انتخاب رشته تجربی شدم و نتوانستم وارد حوزه هنر شوم، اما بعد از پایان دوره دبیرستان با دوستانی آشنا شدم که در حیطه تئاتر فعالیت داشتند و بار دیگر به این هنر علاقه‌مند شدم و با قانع کردن خانواده وارد تئاتر شدم.

اولین کار صحنه‌ای من با اجرای کسری از کارهای آقای بانگین بود، این فرصت بزرگی بود تا بتوانم خودم را محک بزنم، با توجه به بازخوردهای مثبتی که از کار اول دریافت کردم، اعتماد به نفس لازم را برای ادامه راه به دست آوردم و سعی کردم توانمندی‌های خود را بالاتر ببرم و کار دومی که به من پیشنهاد شد یک اجرا به لهجه سورانی بود و من با توجه به اینکه هیچ آشنایی با این گویش نداشتم به عنوان یک چالش آن را پذیرفتم و خوشبختانه هم اجرا بازخوردهای خوبی گرفت و هم من توانستم گویش سورانی را یاد بگیرم و موفقیت در این کار را مدیون کارگردان جوان و موفق این اجرا جناب یوسف مولودی که به من اعتماد کردند و فرصت نقش آفرینی در این اجرا را به بنده دادند. در این بین کارهای دیگری را هم داشته‌ام: اجرای نمایش ساد در جشنواره کاشان، نقش آفرینی در تئاتر ملک جمشید، اجرا در رادیو، تئاتر ملائکه‌ت در جشنواره سقز و نمایشنامه خوانی

۳. انگیزه شما جهت تداوم این راه چیست؟

انگیزه من بیشتر از این نشأت می‌گیرد که می‌توانم بگویم با دیدن فضای بسته اجتماع پیرامون خود احساس کردم که می‌توانم با وارد شدن و ادامه دادن این راه و موفق شدن در این زمینه تابوشکنی کنم و این فرهنگ را که زنان و دختران اجتماع می‌توانند وارد هنر شوند و موفق باشند به مرور زمان نتایج مثبتی را دیدم و اقبال دختران و پسران و حتی خانواده‌هایشان را به چشم مشاهده کردم.

۴. هنر را از دیدگاه خود بیان کنید و جایگاه تئاتر را بین سایر هنرها در ارومیه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ هنر تجلیل احساسات درونی و بیرونی کردن درونیات به زیباترین شکل ممکن است.

با توجه به اینکه تئاتر هنوز به شکلی کامل در اجتماع ما شناخته شده نیست و مخاطبان شناخت کاملی از آن ندارند، نمی‌توان گفت که جایگاه مناسبی بین هنرهای این شهر دارد اما با توجه به اقبال مخاطبان می‌توان گفت به مرور زمان جایگاه مناسبی پیدا خواهد کرد.

۵. به غیر از تئاتر به چه حوزه‌های علاقه‌مند هستید آیا مسیر هنری یا انرژی خود را فقط در حوزه تئاتر متمرکز می‌کنید؟

موسیقی و دکلمه. علاقه خاصی به دکلمه دارم و سعی میکنم در این مورد هم تجربیاتی کسب کنم.

۶. حمایت مردم از تئاتر چگونه است؟ آثاری که در ارومیه تولید شده است توانسته است رضایت مخاطب را کسب کند؟

هنوز به آن شکل آرمانی نرسیده است اما بسیار امیدوارم که در آینده حمایت خوبی از طرف مردم صورت گیرد. آثاری که بیشتر جنبه‌های حماسی داشته‌اند و متوجه قومیت بوده‌اند با اقبال مخاطبان مواجه شد، اما هنوز جای کار دارد تا مخاطبان جذب تئاتر شوند و به عنوان یک هنر فراقومی و به جنبه‌های هنری تئاتر توجه بیشتری کنند.

۷. چرا تئاتر کردی با گویش اصیل و آکادمیک آن اجرا می‌شود از نظر شما تمام مخاطبان این گویش



۸. گویندگی و دکلماتوری در شهر ارومیه در چه جایگاهی قرار دارد؟

جایگاه پایینی دارد نه تنها در ارومیه بلکه در بقیه شهرها و شهرستان‌ها به جز اصفهان، تهران و مشهد که غول‌های دوبله و گویندگی هستند.

۹. به تازگی اسم شما در سایت گویندگان رسمی کشور ثبت شده است این مهم چطور میسر شد؟

باید از جناب آقای بابک سنایی، صدابردار صدا و سیما شهرستان مهاباد سپاسگزار باشم از اینکه بنده را به جناب داوود کیان، گوینده مطرح و مدیر سایت بانک صدا (سایت گویندگان کشوری) معرفی فرمودند و در قسمت بین‌المللی به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، کردی و آلمانی اجازه فعالیت دادند. از این بابت خرسندم و هنوز راه طولانی در پیش دارم.

۱۰. آینده کاری خود را در این شهر چطور پیش‌بینی می‌کنید؟ حمایت مردم از کارهای شما چگونه است؟

من تمام سعی خودم را می‌کنم تا محدود به ارومیه و به یک زبان نباشم و دوست دارم فراتر از یک شهر فعالیت کنم بنابراین آینده کاری خودم را در این شهر با این وضع از حمایت‌های ضعیف، مطلوب نمی‌بینم و تا کنون نیز از دیگر شهرها حمایت بیشتری شده است.

۱۱. چقدر مطالعه می‌کنید؟

روزانه باید مطالعه داشته باشم و اگر مشغله‌ام بیشتر باشد قبل خواب حتماً ۲ صفحه را می‌خوانم و بعد می‌خوانم و همیشه با صدای بلند مطالعه می‌کنم و سعی می‌کنم تکنیک‌های گویندگی را در حین مطالعه به متن تزریق کنم و این برای من یک عادت شده و از این نوع مطالعه لذت می‌برم. بیشتر کتاب‌های ادبی، فلسفی و علمی و اعتقادی مطالعه می‌کنم و دنبال مطالب جدید و کشف‌های جدید هستم. توصیه می‌کنم به کسانی که اهل مطالعه نیستند روزانه حداقل یک صفحه را بخوانند تا کم‌کم معتاد مطالعه شوند.

۱۲. سخن آخر

آرزوی موفقیت دارم برای تک تک هنرمندان استان آذربایجان غربی و بخصوص هنرمندان شهر ارومیه و امیدوارم به عشق هنر فعالیت کنند و اصول و قوانین رشته مورد نظر را در نظر بگیرند و به هر کسی که خودش را هنرمند جا می‌زند اعتماد نکنند. همچنین نهایت سیاست را دارم از نشریه موفق ولات که بنده را لایق این مصاحبه دانستید تا لحظاتی کنارتان باشم.

۱. خودتان را معرفی کنید

آرمان صفرزاده متولد ۱۹ بهمن ۱۳۷۷ در شهر ارومیه و اصالتاً کرد کرمانشاه هستم که به لطف مادر به گویش کرمانجی نیز مسلط می‌باشم. دانشجوی رشته دبیری زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی ارومیه (ترتیب معلم سابق) که از رشته علوم انسانی وارد این حوزه از تحصیلات عالی شدم.

۲. چطور وارد حرفه گویندگی شده‌اید؟

از دوران مدرسه به پشت تریبون رفتن و صحبت کردن با میکروفن را دوست داشتم و می‌خواستم با صدا هنرنمایی کنم. از آنجایی که بیشتر دوستان، اهل خانواده و معلمان آن دوران صدای من را دوست داشتند و مرا تشویق می‌کردند که ادامه دهم، در سن ۱۴ سالگی وارد حوزه آکادمیک گویندگی در باشگاه خبرنگاران جوان ارومیه شدم و با آقای اسمعیلی از گویندگان بازنشسته رادیوی استان آذربایجان غربی آموزش‌های مبتدی را گذراندم، اما از نظر آموزشی رضایت کامل را نداشتم و در سن ۱۷ سالگی به تنهایی به تهران رفتم تا آموزش‌های گسترده‌ای را در محضر استاد علی حیدریان از گویندگان کار درستی رادیو ایران، تلمذ کنم ولی فقط توانستم چند جلسه در کلاس‌های ایشان حضور پیدا کنم و خانواده این اجازه را به دلیل سن کم بنده ندادند تا به دور از آن‌ها ادامه دهم. هر روز برای چون گوینده شدن تمرین می‌کردم. تا اینکه خبر تشریف فرمایی استاد شهرام ایرانمنش از نیتروهای ملی به ارومیه را شنیدم و در اولین فرصت در کلاس‌های ایشان شرکت کردم و تجربه خاصی برای من رقم خورد و سپس در کلاس‌های خانم مریم آفریده از پیشکسوتان رادیو ارومیه و در حال حاضر نیز در محضر استاد برمک فرهمند شاگردی می‌کنم. در کنار گویندگی کم‌کم وارد حوزه دوبلاژ شدم و تا کنون نیز هنرجوی کلاس‌های دوبله استاد علیرضا نیکوگر در تهران هستم که این کلاس‌ها به دلیل شرایط کرونایی به صورت مجازی تشکیل می‌شوند. لازم به ذکر است که همکاری‌هایی با رادیوی ملی ایران داشتم و در بخش رادیوی صدا و سیما آذربایجان غربی هم فعالیت می‌کنم. هر روز تمرین می‌کنم و در کنار این هنر لذت واقعی را می‌برم.

۳. انگیزه شما برای ادامه این کار چیست؟

رسیدن به غایت و بهترین بودن در نوع کار خودم و در نتیجه بعنوان نیترو بین‌المللی شناخته شوم که کم‌کم دارم



را متوجه می‌شوند؟

با توجه به اینکه در ارومیه لهجه‌ها و گویش‌های مختلفی وجود دارد، نیاز به یک گویش مشترک که هم رسم‌الخط داشته باشد و اینکه بیشتر مردم ارومیه این گویش را به طور کامل نه اما تا حد قابل قبولی متوجه می‌شوند. همچنین با توجه به اینکه اجرای تئاتر به یک گویش واحد باعث ایجاد انگیزه برای مخاطبان می‌شود تا نوشتن و خواندن به این گویش را یاد بگیرند و چنین اتفاقی رخ داد و ما شاهد آن هستیم که تعداد افراد مشتاق به آموختن این گویش روز به روز بیشتر می‌شوند.

۸. آینده کاری خود را در این شهر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به انگیزه بسیار بالای من برای پیشرفت و تلاش‌های روزافزونی که دارم خوش‌بینم که در آینده بتوانم علاوه بر بازی در عرصه تئاتر، به عنوان یک کارگردان درخشان ظاهر شوم، البته باز عنوان می‌کنم که این امر منوط به تلاش و کوشش مداوم خودم و شرایط پیرامونی هم در عرصه تئاتر و هم در جامعه دارد.

۹. چقدر مطالعه می‌کنید.

تا قبل از ورود به دنیای هنر کمتر مطالعه می‌کردم اما با توجه به اینکه بنیان پیشرفت در هنر وابسته به دانش تئوری در کنار تجربه دارد سعی میکنم بیشتر مطالعه کنم و دانش تئوری خود را بالا ببرم. البته نمی‌توانم بگویم که میزان مطالعه‌ام ایده آل است که باید باشد اما سعی و تلاشم بر این است که حداقل مطالعه را داشته باشم و این میزان را بالاتر هم ببرم. ناگفته نماند این اقبال به مطالعه را مدیون کارگردان خوب ارومیه جناب رسول بانگین هستم که همیشه دیگران را دعوت به مطالعه می‌کند و با دادن کتاب به کارآموزان خود این امر را موجب می‌شود.

۱۰. سخن آخر

با اینکه در این راه بسیار مشقت دیدم و بارها مورد کم‌لطفی، حتی می‌شود گفت از طرف خانواده با مخالفت‌های بسیاری مواجه شدم اما از اینکه با ورود من به این عرصه تابوها و سنت‌های غلطی شکسته شد و حداقل مورد بازبینی جامعه قرار گرفت بسیار خرسندم. البته هدف فقط این نبود و نمی‌خواهم در این مقطع مشوقش شوم بلکه با تلاش بیشتر امیدوارم بتوانم ورود دختران جامعه‌ام را به دنیای هنر تبدیل به یک امر معمول کنم، البته من تنها کسی نبودم که توانستم تا حدودی تابوشکنی کنم و دیگرانی هم بودند که همه آنها باعث ایجاد انگیزه برای ورود من به این عرصه شدند که جای تقدیر و تشکر دارند. در آخر از تمام کسانی که حامی و مشوق من در این زمینه بودند به خصوص همسر من منوچهر میرزایی، جناب رسول بانگین، روکن عبدوی، یوسف مولودی و سایر همکاران تشکر و قدردانی می‌کنم و امیدوارم که روزی بتوانم جواب تمام حمایت‌هایشان را به بهترین شکل ممکن بدهم. و از رسانه ولات که همواره حامی هنرمندان این جامعه بوده‌اند و به من فرصت این مصاحبه را داده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: حامد قدرتی احمدآباد

ق.م مدیرمسئول و سردبیر: آزاد یوسفی راد

معاون اجرایی، ویراستار، طراح و صفحه آرا: حکیم بصیرت

نشانی: ارومیه - خیابان شهیدمفتح - ساختمان مفتح، طبقه اول پلاک ۷۹

تلفن: ۰۹۱۴۸۸۳۲۸۷۱ | پست الکترونیک: walatmediagroup@gmail.com

گستره توزیع: آذربایجان غربی و کردستان | چاپ: پیام رسانه

سرورس مهربانی‌های کوچک

اوستا رضا، مدارهای مهربانی را لحیم می‌زند

تا خوبی در شهر جریان پیدا کند



گزارش از: عظیم عثمانیان

از قضا نیاز به تعمیر وسیله‌های الکتریکی برامون پیش آمده بود و مغازه‌اش رفتیم که الان تو شهرک طرزیلو ارومیه هست. مشغول تعمیر سیستم صوتی خودروبی بود تا وسیله رو داخل بردم دم در منتظر موندم بیست دقیقه‌ای تعمیر ضبط ماشین طول کشید تعمیر که تموم شد حواسم بهشون بود که راننده دست به جیب کرد و یه ده تومنی بهشون داد ولی با تعجب دیدم که نگرفت و از دست راننده، یه دو تومنی بیرون کشید و گفت همین کافیه!

اوخرا هم میگفت تا یه ماه اینا وسیله‌ای که تعمیر کنم اگه بازم نیاز به تعمیر داشت بابتش دستمزد نمیگیرم چون بالاخره من تعمیر کردم باید برای مدتی کار کنه

بله استاد ما هنوز هم همون اخلاق، قناعت، منصف بودن و بزرگ منشی‌اش



رو در همین روزهای نامهربانی که معیار سنجش هر چیزی به تومان حساب میشه رو حفظ کرده

قبل از اینکه هر وسیله‌ای رو هم تعمیر کنه قیمت و هزینه رو به مشتری میگه و توضیح میده که چی براشون مصلحت و بهتره.

باهش موضوع ترویج مهربانی‌ها رو مطرح میکنم لبخندی مینیزه و میگه من کاری نکردم فقط اونچه که حقم هست رو میگیرم نه بیشتر.

و اضافه میکنه که حتی قیمت وسیله و وضعیت اقتصادی طرف رو در نظر می‌گیرم و اونم از دستمزد کم میکنم تا انصاف رعایت بشه.

«از بچگی هر وقت حرف از انسان درستکاری که کارش رو به بهترین شکل انجام میده و اگه صحبتی از شخص صنعتکار منصفی میشد، ناخودآگاه تصویرش بر مغزم نقش می‌بست.

سال‌ها در محله ما در مغازه‌ای محقر و قدیمی کار الکتریکی و سیم‌کشی برق انجام می‌داد.

محله اکثر کارگرنشین بود و مردمش تمکن مالی چندانی نداشتند ولی از یک لحاظ مردم هیچوقت ترسی نداشتن که از سه چهار قلم وسیله برقی و الکتریکی که داشتن اگه عیب میکرد یا اگه اتصال برقی داشت، هزینه هنگفتی براشون تحمیل نمیشد. به لطف داشتن مهربانی که فنی کار محل بود.

بچه که بودم ده‌ها بار بهش مراجعه کردم. دفعه‌ای بود که اتصالی سشوارمون رو درست میکرد میگفت کاری نبوده که پول بگیرم بعضا هم پونصد تومن یا هزار تومن دستمزد میگرفت.

برای هر کس کار کرده و با هر کس برخورد داشته از اخلاق و رفتارش خیلی بیشتر از اون اتقان و انصافش که سخن رفت تعریف میکنن و همه بلااستثنا ازشون راضی هستن. اصلا مردم دوست داشتنی کارشون بیفته پیشش و باهاش برخوردی داشته باشن.

بعد حدود ده سال از آخرین باری که پیشش رفته بودم دو سال پیش بود که

جمعه



فاطمه دونوقز باباش - فعال اجتماعی

آرایش، نقابی که به بهای سلب آرامش،

آسایشی جزئی به ما می‌بخشد!

می‌شود و ظاهر او غالب و روحیاتش مغلوب می‌شوند. سطح مطالعه و از جمله واردات محصولات فرهنگی بسیار کمتر از سطح واردات محصولات آرایشی و جراحی‌های زیبایی است. اگر تعداد مراجعین به کلینیک‌های مشاوره پیرامون روش اصولی زندگی و تعداد این مکان‌ها در سطح شهر و خیابان‌های ما افزایش پیدا کند و رفتن به آنجا همچون سالن‌های زیبایی برای افراد عادی شود و تاسیس کلینیک‌ها فقط مختص به یک ناحیه نباشند

باشند و نقاشی شده به دنیا بیایند قطعاً همه از یکدیگر منفور بودیم و جهان هیچ جذابیت و لذتی برای ما نداشت. حتی اگر ما شبانه به رخت‌خواب نیز برویم همین صورت و شکل بام‌همراه است چرا که شکل واقعی خودفراری می‌کنیم؟ جالبتر اینکه همه این افراد خود دلیل کارشان را ناموجه می‌دانند و قبول دارند که زیبایی در سادگیست لیکن همرنگ جماعت نشدن برایشان بسیار سخت است. همه این‌ها به کنار، اگر نگاهی به درآمد ماهیانه یک مشاور و روانشناس «زیباسازی و شست و شوی



قطعاً مراجعین مکان‌های جلاسازی روح و روان و آراستگی آن از مکان‌های آرایش جسم بیشتر خواهد بود و جامعه به سمت هدفمندتری حرکت خواهد کرد. به هر حال بشر زیباست و زیبایی را دوست دارد اما زیبایی تا چه حد خواهان دارد؟ شاید تا حدی که قانع شود، لیکن جامعه ما هیچ‌گاه سطح قناعت برای آن مشخص نشده و حرص و طمع بیشتر بر آن غالب شده است. اوضاع امروز باعث شده ما از قافله باز بمانیم و رقابت و برتری را در زیبایی‌های ظاهری تلقی کنیم و تن به هر عمل جراحی زیبایی بدهیم تا فقط اندکی راضی شده و جلب توجه کنیم. خودآگاهی و خودشناسی تک تک افراد اگر بر حریص بودن پیشی می‌گرفت جامعه به این وضع نمی‌افتاد. همرنگ جماعت شدن در جامعه نشان از این دارد که علی‌رغم شعارهایی که در فضای مجازی سر می‌دهند به گونه‌های دیگر عمل می‌کنند و تعداد کمتری تحت تاثیر دیگران قرار نگرفته و به شیوه‌ای اصولی زندگی می‌کنند. خطرناک این است که جزئی جداناپذیر از زندگی اشخاص و افراد شده است به طوری که اکثریت و شاید تمام ابعاد زندگی آنها را فراگرفته است. و خطرناک‌تر از آن نسلی‌گستری است که تربیت شده این نسل خواهد بود که خودباخته بار می‌آیند و این شاید برای بسیاری فقط در حد هشدار کوچک باشد. گاهی برای ثابت ماندن شخصیت خود شاید کافی باشد که با خود روراست‌تر باشیم و بدون هیچ نقابی در جلوی اینه ظاهر شویم و صادقانه خود را قبول داشته باشیم. و اما در آخر بدانیم، روزی که تعداد شعب کتاب فروشی‌های ما در سطح شهر بیشتر شود و صفحات کتابخوانی نیز به اندازه صفحه‌های مجازی ترویج مد و زیبایی و اعتماد به نفس کاذب که در پی آن عزت نفس افراد را پایمال می‌کند، بیشتر شود، آنگاه می‌توان اندکی امید به تحول جامعه داشت. اگر حوصله به دوخط خواندن کتاب کردیم و کتاب‌خوانی هم مثل باقی اعمال و کارهای ما مد و ترویج شود حتی به قیمت خودنمایی، می‌توان امیدوار بود که حداقل روزی یک خط از کتاب بر ما مؤثر خواهد بود.

رو» بیاندازیم خواهیم دید که درآمدشان بسیار کمتر از درآمد یک روز میکاپ کاری ساده هست. اکثر افراد به این نوع گرویده و به سادگی فریب تبلیغات مکان‌های زیبایی را می‌خورند چه بسا اگر از روح زیبا برخوردار بودند این تبلیغات فریبنده زیبایی‌های چندان اهمیتی پیدا نمی‌کرد که تمام ابعاد جامعه را در بر گیرد! موفقیت شغلی ما در زیبایی خلاصه شده چرا که در آگهی‌های جذب نیروی کار، برتری ظاهر را یکی از معیار استخدام بانوان قرار می‌دهند تا در جلب مشتری موفقیت‌آمیز باشند. همه این پاسخ‌ها برمی‌گردد به نوع آموزشی که دیده‌ایم و اینکه با چه تفکری رشد کرده و بالغ شده‌ایم. یقیناً مد تنوعی است برای جامعه که باعث می‌شود زندگی متنوع و در عین حال لذت بخش شود. شیوه دو قرن پیش با اکنون بسیار متفاوت بوده و حتی تطابق افکارها نیز ناممکن است! مد تنهادر پوشش و ظاهر افراد جامعه خلاصه نمی‌شود بلکه گسترش تکنولوژی، دکوراسیون ساختمان‌ها، خیابان‌ها، معابر شهری، سفره آرای و میزبانی‌های ما و حتی نوع رفتار و صحبت کردن افراد نیز دچار دگرگونی می‌شود. در این دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم، عموماً جامعه بشری جهان رو به تکامل پیش می‌رود ولی اگر دقت کنیم در جامعه ما تکامل بسیار سخت است چرا که افراد آن خود را آنگونه‌ای که هستند قبول ندارند. در زندگی خود هنوز هم به راحتی تحت تاثیر تبلیغات و رفتار افراد قرار می‌گیرند که متحول شدنی کاذب در جامعه ما با سرعت بالایی در حال اجراست. از عواقب این شرایط، عدم توانایی در مدیریت بحران می‌باشد که اگر فقط یک ریشه را در نظر بگیریم در تمام زنجیره‌ها حضور دارد. ثابت ماندن شخصیت و خلق و خوی افراد بر بنیان آینده آن بسیار مهم است اما با صرف گسترش و افزایش کلینیک‌های زیبایی در سراسر شهرهای ما به این نکته می‌رسیم که افراد برای فرار از مشکلات دنبال مسکن هستند و به اصطلاح کار درست را انجام می‌دهند اما آگاه نیستند که این شیوه درمان بیشتر چاه است تا راه، زیرا آرایش همچون نقابی‌ست که اگر امروز گذاشته شود فردا حرص و طمع برای بیشتر زیباشدن بر فرد مسلط